

تبلیغ مذهب و فعالیت هیئت‌های مبلغین مسیحی

عقاید مذهبی افریقائی‌ها .

قبیله کامبا - وقتی مبلغین مسیحی به افریقای شرقی آمدند متوجه شدند که اهالی بومی به خدای واحد که مونگو (*Mungu*) می‌نامیدند عقیده دارند ولی برخلاف سایر مذاهب این خدا یا آنچه در میان بشر می‌گذرد اعتنائی ندارد . افراد قبیله کامبیا فکرمی‌کردند قربانی کردن در راه خدای یگانه موسوم به مومبی (*Mumbi*) بی‌فایده است زیرا در فراز آسمانها زندگی می‌کند و از آنچه در زمین می‌گذرد بسیار دور است . در عوض برای ارواح قربانی می‌کردند و می‌گفتند ارواح بشر پس از مرگ در درخت انجیر وحشی زندگی می‌کنند . بهمین جهت در نزدیکی درختان انجیر کلبه کوچکی بنا می‌کردند .

قبیله کیکویو - افراد قبیله کیکویو خدائی بنام انگائی (*Ngai*) که بر فراز کوه کنیا زندگی می‌کرد و خدای عشق بود پرستش می‌کردند . این خدا وقتی بشر از اطاعت او سرباز می‌زد یا فرستادن قحطی و بیماری و مرگ بشر را تنبیه می‌کرد ولی اشکالات روزانه و معمولی را مردم قبیله کیکویو به ارواح مردگان نسبت می‌دادند .

قبیله باگندا - افراد قبیله باگندا عقاید دیگری داشتند . معتقد به موجودی بنام لوباره (*Lubare*) بودند که در مکانهای معین زندگی می‌کرد و بر بعضی اشیا قدرت و نفوذ مخصوصی داشت . مهمترین این خدایان که نام او موکاسا *Mukasa* بود در دریاچه ویکتوریا زندگی می‌کرد و نه تنها بر آب دریاچه بلکه بر تمام کشور بوگندا تسلط داشت .

قبیله ماسامی - یکی از مبلغین مسیحی که در باره عقاید مذهبی قبیله ماسامی شرحی نوشته می‌گوید در زبان ماسامی لغتی برای خدا وجود دارد که انگائی (*Engai*) میباشد ولی برای مفاهیمی از قبیل روح و شیخ و حتی روح مردگان لغت ندارند و درحقیقت درباره وجود در دنیای آینده هیچگونه عقیده ندارند و درنظر آنها انسان مانند حیوان است که می‌میرد و از بین می‌رود . اصول اخلاقی در میان آنها چنانکه در میان اقوام دیگر وجود دارد پیروی نمی‌شود و بهمین جهت هیچ کلمه نیست که مفهوم خوب داشته باشد و درضمن مفهوم بد نیز بدهد . چند نمونه مختصر فوق نماینده عقاید و اصول مذهبی مردم بومی افریقای شرقی قبل از اشاعه اسلام و آمدن میسیون‌های مسیحی است .

اشاعه دین اسلام - اغلب مسلمانان ساکن سواحل افریقای شرقی سنی و ازفرقه شافعی هستند که از قرن سوم هجری در این نقاط شیوع یافت . البته فرق دیگر اسلام از جمله مذهب شیعه در زمان تسلط حکمرانان ایرانی در بعضی نقاط ساحلی نیز شیوع داشت . بعد از آنکه سید سعید امیر عمان پایتخت خود را به زنگبار منتقل کرد بازرگانان عرب دین اسلام را در داخله افریقا تا دریاچه‌های بزرگ و حتی کشور اوگندا رواج دادند و عده زیادی از افریقا مسلمان شدند و دین اسلام در بعضی نقاط ریشه گرفت . ولی اشاعه دین اسلام بطور منظم و تحت نقشه مثبتی صورت نگرفت زیرا مسلمانان هیئت تبلیغ و میسیون‌های مذهبی و مراکز

معین و کتب و نوشته‌های تبلیغی نداشتند . شیوع اسلام بوسیله کوشش افراد عرب و بازرگانان سومالی و سواحلی و خود افریقائی‌های مسلمان انجام یافت . معهذاً دوره اشغال افریقا توسط ممالک اروپائی که از ۱۸۸۵ مسیحی شروع می‌شود دوره ایست که در آن دین اسلام در اغلب نقاط غربی تانگانیکا و غرب اوگندا و بعضی شهرهای کنیا رواج پیدا کرد و علت آن بود که نفوذ اروپایی‌ها مستلزم نقل افراد سواحلی بود که بشغل بازرگانی یا کارگری یا نوکری یا مترجمی افراد نظامی اشتغال داشتند و چون همه آنها مسلمان بودند هر جا می‌رفتند مردم بومی را بدین اسلام دعوت می‌کردند .

تعداد جمعیت مسلمان افریقای شرقی بدرستی معلوم نیست ولی در بعضی نقاط از جمله کشور تانزانیا در حدود شصت درصد جمعیت مسلمان هستند .

اولین هیئت تبلیغی اسلامی را در افریقا پیروان میرزا احمد قادیانی در سال ۱۹۳۵ تأسیس کردند و بنام هیئت احمدیه موسوم هستند . در تمام کشورهای افریقای شرقی فعالیت دینی یکی از اولین اقدامات رئیس هیئت مذهبی احمدیه بنام شیخ مبارک احمد ترجمه قرآن مجید بزبان سواحلی بود که با توشیح و تفسیر آنرا بچاپ رسانید . این هیئت

انتشارات متعدد دیگر دارد و در میان افریقائی‌ها تبلیغ می‌کند و موفقیت زیادی نیز بدست آورده‌اند .

ولی مسلمانان افریقائی اولاد خود را فقط به مکتب‌های تعلیم قرآن می‌فرستند و در این مکتب‌ها بعلت فقدان معلمین واجد صلاحیت اطفال چیزی نمی‌آموزند و چون مسلمانان از فرستادن اطفال خود به مدارس اروپایی که بوسیله مبلغین مسیحی اداره میشود خودداری کرده‌اند نتیجه آن شده است که مسلمانان بطورکلی از مسیحیان عقب مانده‌اند و رهبران جامعه و کارمندان عالیرتبه دولتی در اغلب ممالک از پیروان مذهب مسیح هستند . همچنین مسلمانان حتی جامعه احمدیه دارای بیمارستان و مراکز بهداشتی نیستند و فقط مبلغین بودند که بیمارستان و مراکز بهداشتی تاسیس کردند . ولی فرقه اسمعیلیه یعنی پیروان آقا خان در همه نقاط مدارس متعدد و بیمارستان و مراکز بهداشت و کتابخانه تاسیس کرده‌اند ولی اسمعیلی‌ها به عملیات تبلیغی منظم اعتقاد ندارند و آنرا یک امر فردی می‌دانند .

مذهب هند و - از زمان‌های خیلی قدیم هندی‌های پیرو مذهب هندو در نقاط ساحلی مذهب خود را تعقیب کرده‌اند ولی هندوها ایدا" به تبلیغ مذهب خود نمی‌پرداختند زیرا می‌دانند که قبول بعضی از آداب و رسوم آنها از قبیل گیاه‌خواری و منع مشروبات الکلی برای اغلب مردم غیر هند و مشکل است . بهمین جهت مذهب هند و در افریقا رواج نیافته و منحصر است بخود هندوها .

مسیون‌های مذهبی مسیحی - اولین مبلغین مسیحی از طرف انجمن تبلیغی کلیسا که برای تبلیغ در افریقا و مشرق زمین تشکیل یافته بود به افریقا آمدند از پیروان آنان دکتر کراف است که نقش عمده در اکتشاف این نواحی بازی کرده است در ۱۸۴۴ از زنگبار راه افتاد و توصیه نامه از سید سعید بدست داشت که به حکمرانان نواحی ساحلی نوشته بود : " این نامه بخاطر دکتر کراف نوشته شده او مرد نیکی است که میل دارد دنیا را بخدا پرستی دعوت کند . با او خوش رفتاری کنید و از کمک نسبت باو مضایقه ننمائید . " دو سال بعد جان ربمان کشیش باو ملحق شد و باتفاق یکدیگر در ریای *Rabai* در پانزده میلی مومباسا مرکز تبلیغ دین مسیح را افتتاح کردند . از آنجا ربمان به ناحیه کلیمانجارو در میان قوم جاگا رفت و با شرح قله پوشیده از برف کلیمانجارو در نزدیکی خط استوا مردم اروپارا دچار حیرت و تعجب نمود . دکتر کراف متوجه شد که یکی از کارهای مهم ایجاد مدرسه است تا کسانی که بدین مسیح درمی‌آیند بتوانند کتاب مقدس بخوانند و آنرا راهنمای آینده خود قرار دهند .

برای تعلیم مردم بومی از کشیشان بآموختن زبان محلی پرداختند و دکتر کراف پس

از مدتی موفق شد قسمتی از کتاب مقدس را بزبان سواحلی ترجمه کند و فرهنگی برای آن زمان تدوین نماید . از کسانی که زبان سواحلی را خوب یاد گرفتند دکتر استنر *Steen* بود که تألیفات او هنوز برای آموختن سواحلی بکار می‌رود و کتاب گرامر او مورد استفاده همه کسانی است که این زبان را می‌آموزند . وی به تکمیل ترجمه کتاب مقدس پرداخت و قصص و افسانه‌های سواحلی را جمع‌آوری کرد .

اگر چه دکتر کراف بنیان مراکز مذهبی را گذاشت دکتر لوبینگستون بود که توجه مردم اروپا را به افریقای شرقی جلب کرد زیرا مسافرت‌های او و مقالات و انتقاد شدید علیه برده‌فروشی و تشریح وضع اسفناک و فقر مردم بومی جلب توجه عده زیادی را نمود . در سال ۱۸۵۷ دکتر لوبینگستون از کمبریج درخواست کمک کرد و در نتیجه مؤسسه هیئت دانشگاهها به منظور تبلیغ و کمک به مردم افریقا تشکیل گردید . متأسفانه اولین مرکز این هیئت در ناحیه رود شیر *Shire* با عدم موفقیت مواجه شد و عده زیادی تلف شدند و اسقف تزر *Fozen* که در سال ۱۸۶۳ برای سرپرستی میسیون آمده بود متوجه شد که مشکلات ادامه کار درنیاسالند زیاد است و تصمیم گرفت مرکز میسیون را به زنگبار انتقال دهد . در زنگبار عده از جوانان افریقائی را برای شغل کشیشی تربیت کردند و در آن موقع بود که دکتر استنر معاون اسقف تزر به آموختن زبان سواحلی پرداخت . در سال ۱۸۷۳ پس از بستن بازار برده‌فروشی دکتر اسپنر که مقام اسقفی یافته بود در همان محل به ساختن کلیسا پرداخت که بعد از چهار سال تکمیل شد و قسمت عمده عملیات ساختمانی را خود دکتر استنر انجام می‌داد .

میسیون دانشگاهها از زنگبار عملیات خود را توسعه داد و توجه مخصوصی نسبت به بردگان آزاد شده مبذول داشت و در داخله افریقا شعبات خود را باز کرد و به تأسیس کلیسا و مدرسه و بیمارستان اقدام نموده و بکمک بردگان آزاد شده همت گماشت در ۱۸۶۷ در ناحیه تانگانیکا در نزدیکی بند تانگا اولین شعبه خود را باز کرد و شعب دیگر بتدریج افتتاح شد و در ۱۸۷۵ ناحیه رود رووما *Rouuma* مورد بررسی و اکتشاف واقع شد و در آن ناحیه دکتر استیر محلی را بنام مساسی *Masasi* جهت مرکز اقدامات تبلیغی انتخاب کرد .

از میسیون‌های دیگر که در تبلیغ دین مسیح جزو پیشروان بشمار می‌آیند انجمن روح القدس *The Society of the Holy Ghost* می‌باشد که از زنگبار اقدامات خود را شروع کردند و به تأسیس بیمارستان برای ملاحان اروپائی و افریقائی و دبستان و آموزشگاه حرفه‌ای پرداختند و از زنگبار به ساحل رفتند و در بندر باگامیو *Bagamoyo* مرکزی

تاسیس کردند. در این بندر عده‌ای از بردگان آزاد زندگی می‌کردند که محتاج کمک بودند. میسیون مزبور نه تنها افریقائیان را بقبول مذهب مسیح تبلیغ می‌کرد بلکه وسائل زندگی جدید و کشاورزی و حرفه با آنها یاد می‌داد و از آنجا آنها را به نقاط دیگر می‌فرستاد.

هیئت‌های تبلیغی متعدد دیگر در نقاط مختلف افریقای شرقی مشغول کار شدند. در یوگاندا بین پیروان فرقه کاتولیک و پروتستان و پیروان اسلام رقابت شدیدی وجود داشت که منجر به جنگ و کشت و کشتار بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شد که شرح آن بعداً "داده خواهد شد".

بیشتر موسسات پروتستان مرکزشان در انگلستان بود و کاتولیک‌ها از فرانسه و سویس آمده بودند. میسیون‌های مذهبی نه تنها به تبلیغ مذهب می‌پرداختند و مقدمات زندگی هدید را به افریقائی‌ها می‌آموختند بلکه قسمت عمد اکتشافات در داخله افریقا بوسیله آنها انجام شد و دو تها مخصوصاً دولت انگلیس از اطلاعات آنها برای بسط نفوذ و سلطه خود در افریقا استفاده بسیار نمود. از خدمات دیگر آنها تدوین فرهنگ زبان‌های بومی و تهیه گزارش و ترجمه کتاب مقدس و کتب دیگر زبان‌های محلی بود.

میسیون‌های مذهبی در بسط آموزش و پرورش و بهداشت نقش عمده‌بازی کردند و تا سال ۱۹۱۱ کلیه تعلیمات و مدارس در دست آنها بود. البته در اوائل امر با مخالف بعضی قباہل مواحه بودند که خواندن و نوشتن را بدمی دانستند و بعضی‌ها که به مدرسه می‌آمدند انتظار داشتند در مقابل تعلیم که می‌گرفتند به آنها حقوق داده شود. ولی سواد و خواندن و نوشتن بسرعت توسعه یافت و تا سال ۱۹۲۶ تعداد کسانی که مدرسه ابتدائی را تمام کرده بودند باندازه رسید که احتیاج به مدرسه متوسطه باشد که اولین آن در آن سال در کنیا تاسیس شد. در یوگاندا که تعلیم و تربیت پیشرفت بیشتری حاصل کرده بود بیست سال قبل مدرسه متوسطه افتتاح شده بود. دولت انگلیس و بعضی روسای قبائل به مدارس کمک مالی می‌کردند.

در قسمت بهداشت نیز میسیون‌های مذهبی خدمات عمده انجام دادند و با آوردن پزشک و ساختن بیمارستان و معالجه بیماران طب اروپائی را رواج دادند. و بتدریج دولت انگلیس به ایجاد بیمارستان در نقاط مختلف اقدام کرد و به تربیت پزشک و پرستار پرداخت

بقیه از صفحه ۲۶

ایران برای پیشگیری از اینگونه پیش‌آمدها و متوجه ساختن دولت ایران به خطر ناشی از آلمان در آسیای مرکزی است.

روزنامه الشهاب چاپ عراق به ایران توصیه کرده بود که دولت ایران هم خوبست رفتار ترکیه را پیشه کند و در صورت لزوم قراردادهائی با دولتین روس و انگلیس امضاء کند و روابط اقتصادی خود را با آن کشورها بسط دهد. (ادامه دارد)